



## گونه‌شناسی ضدآمریکگرایی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب

رضا لایق<sup>۱</sup>

### چکیده:

در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال هستیم که گونه‌شناسی آمریکاستیزی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که از زمان شکل‌گیری جمهوری اسلامی، آمریکاستیزی یکی از گفتمان‌های حاکم بر دولت و جامعه ایران بوده و شالوده آمریکاستیزی را بیش از هر چیز پدیده شیعه‌گری شکل می‌دهد که برپایه ظلم‌ستیزی، فرهنگ عاشورایی و امید به مهدویت شکل گرفته و نمود آن را می‌توان در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده نمود. الگوی نظری این پژوهش براساس کوهن و کاتزنشتاین (۲۰۰۷) است و در این راستا، اطلاعات به روش کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به شیوه توصیفی-تحلیلی، بررسی و تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که حمایت از اسلام سیاسی در ایران یک رابطه قوی‌تر از ضدآمریکایی بودن از خود دینداری مسلمان دارد. این ارتباط بین حمایت از اسلام سیاسی و احساسات ضدآمریکایی با استدلال کوهن و کاتزنشتاین که اسلامگرایی را به یک دیدگاه منفی کلی از ایالات متحده یا آنچه که آن‌ها ضدآمریکایی رادیکال می‌خوانند، پیوند دارد. از بعد انقلاب اسلامی، آمریکاستیزی تدریجاً به بخشی از هویت جمهوری اسلامی تبدیل شده است. نمود این مسئله را می‌توان در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده نمود که مبارزه با استکبارستیزی و آمریکا را در راس سیاست خارجی قرار داده است، چرا که شالوده آمریکاستیزی انقلاب اسلامی بیش از هر چیز به پدیده شیعه‌گری بازمی‌گردد که برپایه ظلم‌ستیزی و امید به مهدویت شکل گرفته است که کمترین پیام آن را می‌توان در تلاش برای یافتن وضع مطلوب مشخص کرد. بنابراین می‌توان وجوه ملموس گونه‌های ضدآمریکگرایی را در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده نمود.

**واژگان اصلی:** آمریکاستیزی، آیت‌الله خامنه‌ای، کوهن و کاتزنشتاین، منظومه فکری.

## مقدمه

از ابتدای قرن ۲۱ ام، با وجود سال‌ها رهبری جهانی، شاهد نگرش‌های منفی گسترده نسبت به سیاست‌های ایالات متحده می‌باشیم، آنچه که معمولاً ضدآمریکایی نامیده می‌شود. احساسات ضدآمریکایی ریشه در فرهنگ‌های سیاسی و تجربیات بسیاری از کشورها دارد. ماهیت ضدآمریکایی ممکن است از یک کشور به کشور دیگر، از یک قاره به قاره دیگر تغییر کند. در عین حال، ضدآمریکایی بودن برچسب مورد استفاده علیه آمریکایی‌ها است که انتقاد بیگانگان نسبت به تصمیمات و سیاست‌های ایالات متحده را در پی دارد (Fabbrini, 2014: 560). در سال ۱۹۴۱ هنری لووس از آمدن قرن آمریکا صحبت کرد. از سال‌های اولیه قرن ۲۱ ام، مخالفت مردمی با ایالات متحده، انتقاد از سیاست‌های آن و عدم تمایل به آن به عنوان یکی از موضوعات سیاسی روز ظهور نموده است. ضدآمریکایی یک موضوع داغ است و روزنامه‌های بسیاری مملو از استناد به اصطلاح «ضدآمریکایی» می‌باشند. با این وجود، هنوز تعریف واضح و کاملاً مشخصی از آن چه که ضدآمریکایی خوانده می‌شود، وجود ندارد (Guerlain, 2007: 2). بخشی از اظهارات منفی به طور مستقیم با سیاست‌ها و توانمندی‌های ایالات متحده در گذشته و حال مرتبط است. برخی از کارشناسان معتقدند که ضدآمریکایی پدیده فرهنگی است که ناشی از اختلاف‌نظرهای اساسی درباره هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است (Delavande & Zafar, 2018: 2).

از زمان جنگ جهانی دوم به بعد ایالات متحده درگیر مداخلات گسترده نظامی و غیرنظامی در خاورمیانه است، منطقه‌ای که در آن دیدگاه‌های ضدآمریکایی غالب شده است (Jamal et al, 2015: 54). احساسات ضدآمریکایی در خارج از کشور از سال ۲۰۰۲، موجب نگرانی بسیاری از آمریکایی‌ها شده است. با این حال روشن نیست که این احساسات در درجه اول واکنشی نسبت به سیاست‌های دولت بوش است یا این که از منابع بنیادی‌تری حاصل شده است (Keohane & Katzenstein, 2007: 1-2). با این وجود حوادث بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و حمله ایالات متحده به عراق، ضدآمریکاییسم را به اوج خود رساند. در هیچ یک از مناطق جهان، مخالفت مردمی با آمریکا گسترده‌تر از آنچه در جهان اسلام است، وجود ندارد (Chiozza, 2007: 1). افزایش احساسات ضدآمریکایی، به ویژه پس از حملات آمریکا به کشورهای افغانستان و عراق به بهانه مبارزه با تروریسم بین‌المللی، تقویت و گسترش یافته است.

<sup>1</sup> Henry Lous

بلید و لینزر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲: ۹)، یک رویکرد تجربی مطرح نموده‌اند با این استدلال که دینداری در جهان اسلام به طور چشمگیری با دید منفی نسبت به ایالات متحده همراه است. آن‌ها با رد دیدگاه‌های اصول‌گرا از اسلام، این بحث را مطرح می‌کنند که رقابت بین نخبگان اسلامی و سکولار، نگرش‌های ضدآمریکایی را در کشورهای اسلامی شکل می‌دهد. همین مسئله در مورد برگر<sup>۲</sup> (۲۰۱۴: ۷۸۴) نیز صادق است، که می‌گوید در بین مردم مسلمان که دینداری بیشتر است، حمایت از خشونت سیاسی علیه غیرنظامیان ایالات متحده بیشتر دیده می‌شود. کوهن و کاتزنشتاین<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) انتقادهای اسلامی به ایالات متحده را طبقه‌بندی می‌کنند که از این باور ساخته شده است که: «هویت ایالات متحده، منعکس‌کننده روابط اقتصادی و سیاسی و شیوه‌های نهادی است که نشان از اقدامات خصمانه آن است». به طور کلی، اسلامگرایان نسبت به هژمونی فرهنگی ایالات متحده و سیاست‌های آن بدبین هستند. انتقاد کلی نسبت به ایالات متحده جزئی از مؤلفه‌های دین‌شناسانه اسلامگرایان بوده است. در نتیجه، کسانی که از اهداف اسلام‌گرایانه حمایت می‌کنند، دید کاملاً منفی نسبت به ایالات متحده دارند.

ایالات متحده از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۴ در بسیاری از کشورها، به اقدامات مداخله‌جویانه از جمله کودتا، ترور رهبران و درگیری مستقیم نظامی دست زده است، با این حال اکثر آن کشورها، اکنون روابط غیرخصمانه‌ای با آمریکا دارند. در این خصوص براساس بررسی‌های سال ۲۰۱۴ در مورد ۴۴ کشور، شواهد کمی در مورد ضدآمریکایی بودن به جز در تعداد معدودی از کشورها وجود ندارد. روابط خارجی بیگانگان با ایالات متحده در آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای لاتین همچنان مستحکم است. با این وجود، ضدآمریکایی بودن به ویژه امروزه در خاورمیانه گسترده است (Stokes, 2014: <http://pewrsr.ch/1jLS0Qo>). کشورهای بسیاری وجود دارند که بیش از جمهوری اسلامی ایران، در معرض رفتارهای مداخله‌گرایانه ایالات متحده قرار داشته‌اند، اما در شرایط حاضر در روابط آن‌ها با واشینگتن الگوی دشمنی دیده نمی‌شود (عبداللهی‌نژاد و متقی، ۱۳۹۸: ۴). مسئله‌ای که با بررسی روابط ایران و آمریکا از قبل از وقوع انقلاب اسلامی تاکنون بر شدت آن افزوده شده است و در مواقعی به تقابل نظامی این دو در برابر یکدیگر در مقام گفتمان رسیده است. ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد را می‌توان در زمره مهم‌ترین نقاط

<sup>1</sup> Baydes & Linzer

<sup>2</sup> Berger

<sup>3</sup> Keohane & Katzenstein

تعیین کننده در روند تفکر انتقادی به غرب و ایالات متحده در سیاست ایران دانست. تجربه دو قرن اخیر پر از تجاوزها و همچنین دخالت کشورهای بیگانه است که به تشدید فرهنگ بیگانه-ستیزی در ایران منجر شده است (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

دولت‌های حاکم بر آمریکا از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، هر یک به نوعی جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار داده‌اند. از جیمی کارتر، رونالد ریگان، جورج بوش پدر، بیل کلینتون، جرج دبلیو بوش پسر، باراک اوباما تا اکنون در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، آمریکا همواره تلاش نموده است تا به بهانه‌های مختلف همچون حقوق بشر، حمایت از تروریسم، غنی‌سازی اورانیوم و ساخت سلاح‌های انهدام جمعی و ... فشارهای فزاینده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نماید (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۹). بنابراین، این دخالت‌ها و تجاوزها موجب شده است تا بخشی از عناصر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران براساس بیگانه‌هراسی و به ویژه آمریکاستیزی شکل گیرد. در واقع، نام‌گذاری آمریکا به عنوان شیطان بزرگ و همچنین صحبت از تهاجم فرهنگی به عنوان بزرگترین خطر برای اسلام و ایران، همگی تاییدکننده همین موضوع هستند (Stanley, 2006: 19). ایران از جمله کشورهایی است که به طور مشخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تقابل و تخاصم با آمریکا به سر برده است و در نظم گفتاری این کشور مبتنی بر حکومت مستضعفان جهان، دیدگاه امپریالیسم خواندن آمریکا و بحث آمریکاستیزی، به انحاء مختلف به صورت رسمی و غیررسمی بیان شده است. این حس در بیانات آیت‌الله خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب نیز وجود داشته است. به عنوان نمونه امام خمینی (ره) در شهریور ۱۳۵۹ اعلام کرد صدام حسین به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز نموده است (آیت‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۲۶).

بر همین اساس، آمریکاستیزی به رویکرد غالب در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. در اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز آمریکاستیزی یکی از مفاهیم کلیدی بوده است. ایشان بارها در سخنرانی‌ها و آثار خود بر ضدیت با آمریکاگرایی و استکبارستیزی تاکید کرده‌اند. با این حال، علی-رغم اهمیتی که آمریکاستیزی ظرف ۴۰ سال گذشته داشته است، کمتر روی این پدیده کار پژوهشی و تحقیقاتی شده و به عبارتی جامعه آکادمیک و مراکز تحقیقاتی، آمریکاستیزی را به عنوان پدیده طبیعی و اجتناب ناپذیر پذیرفته‌اند. مسئله‌ای که در ماه‌های اخیر و به ویژه بعد از به شهادت رسیدن قاسم سلیمانی در دی ماه ۱۳۹۸ محققین و روزنامه‌نگاران را به توجه بیشتر به

آمریکاستیزی جلب نموده است. در این پژوهش با توجه الگوی مفهومی که توسط پیتر کاتزنشتاین و رابرت کوهان ساخته شده است، ضد آمریکایی بودن را «تمایل روانشناختی برای نگه داشتن دیدگاه‌های منفی درباره ایالات متحده و به طور کلی جامعه آمریکا» تعریف می‌کنیم (Keohane & Katzenstein, 2007: 12). بنابراین مساله پژوهش عبارت است از این که گونه‌شناسی آمریکاستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب چگونه بوده است؟

### پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش حاضر، مقالات و کتاب‌های متعددی می‌توان معرفی نمود، اما باید گفت که هر یک از این پژوهش‌ها فقط به حوزه خاصی توجه داشته‌اند. در این نوشتار ضمن استفاده از بخشی از این منابع تلاش خواهد شد تا با استفاده از این منابع، چارچوب نظری و علمی پژوهش برای تشریح موضوع ارائه گردد. در این بخش، در قالب جدول به چند مورد از پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌نماییم:

### جدول خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع

ردیف	نام محقق	سال تحقیق	عنوان	خلاصه نتایج
۱	فتح	۱۳۸۸	آمریکاستیزی در جهان اسلام	این کتاب یک مقدمه، دوازده فصل و یک نتیجه‌گیری دارد. موضوع فصل نهم آمریکاستیزی در کشور ایران است. نویسنده، ضمن بررسی مخالفت‌های گروه‌های مذهبی و سکولار ایران با مداخله غرب و به‌ویژه آمریکا در مسائل داخلی ایران و مداخله این دولت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کوشیده است ریشه‌های غرب‌ستیزی را از منظر تاریخی بررسی کند. این پژوهش بررسی دوره‌های زمانی قبل از انقلاب تا زمان ریاست جمهوری آیت‌الله رفسنجانی را شامل می‌شود که نوآوری بنده، بررسی گونه‌شناسی آمریکاستیزی از منظر رهبر معظم انقلاب و تأکید بر عنصر اسلامی است.
۲	کیوان حسینی و	۱۳۹۰		در این نوشتار، روند تحول در رویکردهای

ردیف	نام محقق	سال تحقیق	عنوان	خلاصه نتایج
	جمعه‌زاده		«آمریکاستیزی در جهان اسلام، شالوده نظری و روند تحول»	ضدآمریکایی به ویژه در میان مردم و نخبگان کشورهای اسلامی از دهه پنجاه تا سال‌های اخیر بررسی شده و تلاش گردیده که تصویر با معنایی از ریشه های بروز و تقویت این حرکت در دوره‌های زمانی مختلف ارائه گردد. اما نوآوری که پژوهش بنده خواهد داشت بررسی به صورت مختص به بررسی آمریکاستیزی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ایران بررسی شود.
۳	گریفتس	۱۳۹۴	هشت مقاله درباره آمریکاستیزی	در این کتاب در قالب ۸ مقاله به بررسی آمریکاستیزی پرداخته شده است. فصل آخر این پژوهش را دیدگاه نظری کوهن و کایزنشتاین شکل می‌دهد که بیشترین ارتباط را پژوهش در حال حاضر خواهد شد، اما نوآوری که خواهیم داشت، استفاده از این چارچوب در قالب بیانات آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.
۴	نوربخش	۱۳۹۸	«آمریکاستیزی در ایران انقلابی: زمینه‌ها و علت‌ها و تاثیر آن بر سیر تحولات انقلاب اسلامی ۱۳۶۰-۱۳۵۷»	این پژوهش سعی دارد تا با بررسی ریشه‌های تاریخی آمریکاستیزی در بعضی از گروه‌های انقلابی چپ و اسلامگرا پیش از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ به تاثیر آن موج آمریکاستیزی بر تحولات سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب حد فاصل سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۵۷ و هم چنین تاثیر آن بر چگونگی کسب قدرت سیاسی بپردازد. مسائل مرتبط با آمریکاستیزی به ویژه از دیدگاه مقامات ایرانی به نحوی مرتبط با پژوهش در حال انجام خواهد بود، اما نوآوری که می‌توان یافت بررسی آمریکاستیزی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از بعد از پیروزی انقلاب تاکنون بر مبنای چارچوب نظری کوهن و کایزنشتاین خواهد بود.

## چارچوب نظری

نگرش نسبت به ایالات متحده در مقایسه با سایر بخش‌های جهان در جهان اسلام گسترده‌تر بوده است. ضدآمریکایی یک نگرانی است، چرا که ارزش‌های دموکراتیک را تقویت و نفوذ ایالات متحده را در سیاست خارجی تضعیف می‌کند (Keohane & Katzenstein, 2007; Krueger, 2009). علاوه بر این، بسیاری از کشورهای جهان را درگیر می‌کند. بنابراین، درک منابع احساسات ضدآمریکایی در جهان اسلام دارای پیامدهای سیاسی بسیار گسترده است (Delavande & Zafar, 2018: 1-2).

محققان اشکال مختلف ضدآمریکایی را در زمینه‌های مختلف شناسایی کرده‌اند. برخی معتقدند که ضدآمریکایی در درجه اول در واکنش به سیاست‌های ایالات متحده است (Rubinstein & Smith, 1988). احساسات منفی در میان مسلمانان درباره حمایت ایالات متحده از اسرائیل و حمله آن به عراق نمونه‌هایی از احساسات ضدآمریکایی سیاست‌مدار در جهان اسلام را نشان می‌دهد (Hollander, 2008; Datta 2014). شکل دیگر، ضد آمریکایی فرهنگی است. نگرانی مسلمانان سنتی درباره نفوذ فرهنگی ایالات متحده در جوامع عمدتاً مسلمان این شکل خاص از ضدآمریکایی را شکل داده است (Calvert, 2009: 26). مقاله سیدقطب «آمریکایی که من آن را دیدم» این نوع ضدآمریکایی را منعکس می‌کند. در این مقاله، سیدقطب از قدرت هژمونی فرهنگ غرب انتقاد می‌کند و از جامعه ایران می‌خواهد تا ارزش‌های سنتی خود را احیا کند (Mirsepass, 2000: 156). اشکال ضدآمریکایی از نظر مفهومی با یکدیگر متفاوت هستند و ممکن است در افراد مختلف، متفاوت جلوه دهند. انواع ضدآمریکایی ممکن است به طرز مختلف بر رفتارهای سیاسی افراد تأثیر بگذارد (Nugent et al, 2018: 254-88).

برندان اوکونر<sup>1</sup> در کتاب «ظهور آمریکاستیزی» چهار مرحله آمریکاستیزی را مشخص می‌کند: مرحله اول از زمان شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا تا پایان جنگ جهانی دوم را در برمی‌گیرد. در این دوره آمریکاستیزی عمدتاً شامل انتقادات فرهنگی مبتنی بر برتری فرهنگی اروپا و ضعف فرهنگی آمریکا بود. مرحله دوم دوران جنگ سرد را در برمی‌گیرد، آنچه در این دوره آمریکاستیزی نامیده می‌شد عمدتاً انتقاداتی ایدئولوژیک و سیاسی بود که متمایل به اندیشه‌های چپ بودند، و می‌توان این دوره را آغاز آمریکاستیزی سیاسی نامید. مرحله سوم ضدیت با آمریکا از سال ۱۹۸۹ با

<sup>1</sup> Brandon O'Connor

پایان جنگ سرد شروع شد. این دوره شاهد تاکید بیشتر بر تاثیرات منفی سرمایه‌داری آمریکایی شدن بوده است و آمریکاستیزی به نوعی با جنبش‌های ضدجهانی شدن مرتبط شد. در این دوره موج جدیدی از آثار معطوف به ضدآمریکاگرایی بروز می‌کند که در مواردی با نگرش‌های اندیشمندانه‌ای همراه بود (Joffe, 2009: 21-22). آخرین مرحله از آمریکاستیزی نیز به حوادث ۱۱ سپتامبر و اتفاقات پس از آن بر می‌گردد که نمادی از آمریکاستیزی خشونت‌آمیز بود (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۱۰). در همین زمینه، ایوان کراستف در مقاله‌ای می‌گوید: «قرن بیستم قرن ایالات متحده بود؛ اما بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در حال ورود به عصری هستیم که شاید بهتر باشد آن را قرن آمریکاستیزی بنامیم» (Krastev, 2004: 5-16).

سیلا بن حبیب بیان می‌کند: نتیجه محصولات فرهنگ توده‌ای سکولار که تصاویر آزادی جنسی، رهاسازی زنان و برابری جنسیت‌ها را بی‌اعتنا به مذهب به درون جوامع اقتدارگرا و پدرسالار می‌آورد، تعارض ارزش‌های بین‌المللی و ایجاد تضاد و مقاومت است (Benhabib, 2002: 11). روبینشتاین و اسمیت نیز در مجموعه نوشته‌هایی به نام ضد آمریکاگرایی در جهان سوم چهار نوع آمریکاستیزی را مشخص کرده‌اند که در حوزه‌های مختلف (سیاست، اقتصاد و فرهنگ) می‌تواند بروز نماید: نوع اول آمریکاستیزی مبتنی بر موضوع خاص است: این‌ها واکنش‌های ضدآمریکایی هستند که کمابیش خودجوش محسوب می‌شوند و با اقدام‌های آمریکا رابطه تنگاتنگی دارند. بر این مبنا متغیرهایی مانند موضوع مورد نظر، زمان و مکان به طور مستقیم در بروز، تقویت یا کاهش گرایش یا تمایل ضدآمریکاگرایی تاثیرگذار است (کیوان‌حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

نوع دوم آمریکاستیزی ایدئولوژیک است: این نوع را دشمنی مبتنی بر عقلانیت می‌نامند که دولت و جامعه آمریکا را هدف قرار می‌دهد. به علاوه این نوع آمریکاستیزی خود را به عنوان بخشی از نظام عقیدتی سکولار یا مذهبی نشان می‌دهد. این نوع برداشت که در آثار تحلیلگران فرانسوی از جایگاه مهمی برخوردار است، به طور خاص، موجودیت و هویت آمریکایی را مخاطب قرار می‌دهد (Oconnor, 2007: 7-19). نوع سوم آمریکاستیزی انقلابی است: روبینشتاین و اسمیت این نوع را به عنوان آمریکاستیزی گروه‌های مخالف توصیف می‌کنند که به

<sup>1</sup> Ivan Krastev

<sup>2</sup> Rubinstein & Smith

دنبال سرنگونی دولت طرفدار و وابسته به آمریکا می‌باشند و در عین حال سعی دارند تا پس از سقوط دولت قبلی انقلابی سیاسی و اجتماعی و تنظیم مجدد سیاست خارجی را به کار گیرند. نوع چهارم آمریکاستیزی ابزاری: دولت‌ها از این نوع آمریکاستیزی بهره‌برداری می‌کنند تا به هدف‌های سیاست داخلی خود دست یابند و همچنین از آن برای کسب مشروعیت استفاده می‌کنند (فتح، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۶).

ضدآمریکایی بودن هم چندبعدی و هم ناهمگن است. با تکیه بر این واقعیت، کوهن و کاتزنشتاین چهار نوع اصلی از ضدآمریکایی را به همراه برخی موارد جزئی معرفی کرده‌اند. شاید مفصل‌ترین تقسیم‌بندی درباره موضوع آمریکاستیزی را کوهن و کاتزنشتاین در کتاب آمریکاستیزی در جهان مطرح کرده‌اند که به عنوان چارچوب نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. آن‌ها چهار نوع آمریکاستیزی را شناسایی کرده‌اند:

۱- آمریکاستیزی لیبرال: در نگاه اول آمریکاستیزی لیبرال متناقض به نظر می‌رسد، زیرا لیبرال‌ها در بسیاری از ویژگی‌های آمریکا گرایشی اشتراک دارند. با این وجود از آن جایی که اغلب آمریکا همگام و هم‌ردیف با ایده‌آل‌های خود نیست مورد انتقاد قرار می‌گیرد. آمریکاستیزی لیبرال در جوامع لیبرال کشورهای توسعه یافته صنعتی غالب است. برای مدت‌ها در خاورمیانه میان نخبگان تحصیل کرده غربی سکولار برجسته بوده است و زمانی که نفوذ این طبقات در جامعه کاهش پیدا کرد شکل رادیکال‌تری از آمریکاستیزی نمایان شد. تأثیر بالقوه آمریکاستیزی لیبرال طراحی حملات خشونت-آمیز علیه آمریکا نبوده است، بلکه کاهش حمایت از سیاست‌های آمریکا بوده است. چنین رفتاری موجب شد تا ایالات متحده متهم به ریاکاری از سوی مردمی شود که ایده‌هایش مورد پسند، اما رفتارشان مورد اعتراض است. تأثیر احتمالی ضدآمریکایی لیبرال، ایجاد حمله به ایالات متحده نیست بلکه کاهش حمایت از سیاست‌های آمریکاست (Keohane & Katzenstein, 2007: 25).

۲- آمریکاستیزی سوسیال: آمریکاستیزی سوسیال مبتنی بر تعارض ارزش‌ها بین ایالات متحده و سایر کشورهای دموکراتیکی است که انعکاس‌دهنده تفاوت‌ها در بسیاری از حوزه‌های زندگی است. رژیم‌های دموکراتیک مختلف اولویت‌ها و رویکردهای متفاوتی به موضوعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند. برای مثال بسیاری از دموکراسی‌ها از برنامه‌های اجتماعی متنوعی حمایت می‌کنند که از لحاظ سیاسی و اجتماعی در ایالات متحده شدنی و قابل قبول نیست. دولت‌های سوسیال دموکراتیک رفاهی در اسکاندیناوی و دولت‌های رفاهی دموکراتیک مسیحی در اروپا و دولت‌های

صنعتی توسعه‌ای در آسیا مثال‌هایی از این نوع دموکراسی‌ها هستند. بسیاری از دموکراسی‌های کوچک مبتنی بر سرمایه‌داری در اقتصاد جهانی از رویکرد لیبرال مبتنی بر بازار حمایت می‌کنند، در حالی که در اقتصاد داخلی سوسیال و یا دموکراتیک مسیحی هستند. علی‌رغم این تفاوت‌ها آمریکاستیزی سوسیال در بسیاری از ارزش‌های دموکراتیک با ایالات متحده همگام است.

۳- آمریکاستیزی ملی‌گرا: آمریکاستیزی ملی‌گرا بر دو ارزش، اهمیت از دست ندادن کنترل دولت بر تمامیت ارضی و اهمیت و ارزش ذاتی هویت ملی جمعی تأکید می‌کند. این هویت اغلب مخالف هویت‌های آمریکایی است. بنابراین حاکمیت دولت سپری در مقابل دخالت‌های آمریکا می‌شود. ضدآمریکاگرایی ملی‌گرا در دستیابی به قدرت سیاسی و حفظ استقلال و هویت ملی کمتر بر اصلاح نتایج بازار داخلی تمرکز دارد. هویت ناسیونالیست‌های حاکم غالباً ارزش‌هایی را در تضاد با آمریکایی‌ها قرار می‌دهد. چین نمونه بارز ضد آمریکایی بودن ناسیونالیسم مستقل را ارائه می‌دهد. نخبگان و عموم مردم چین بسیار ناسیونالیست و نسبت به تهدیدهای حاکمیت چین بسیار حساس هستند. با این حال چین هنوز از ایالات متحده ضعیف‌تر است؛ از این رو توانمندی برتر نظامی ایالات متحده آمریکا و تمایل این کشور برای بهره‌گیری از این توانمندی موجب شده تا یک آمریکاستیزی بالقوه در چین فراهم شود (Keohane & Katzenstein, 2007: 25).

۴- آمریکاستیزی رادیکال یا اسلامی شیعی: این رویکرد حول این عقیده شکل گرفته که هویت آمریکا که در اقتصاد، رابط قدرت سیاسی و رویه‌های نهادی داخلی ایالات متحده منعکس شده است، در دشمنی با تقویت ارزش‌ها، رویه‌ها و نهادهای خوب در دیگر کشورها است. آمریکاستیزی رادیکال ویژگی دولت‌های مارکسیست-لنینیست اتحاد جماهیر شوروی، کوبا و کره شمالی است. امروز ضدآمریکایی رادیکال در بخش‌هایی از جهان اسلام گسترده است. برای کسانی که نسخه‌های افراطی از ضدآمریکایی تندرو دارند، غرب و به ویژه ایالات متحده، آنقدر غیرقابل تصور هستند که باید نابود شوند. از آنجا که افرادی که در این جوامع زندگی می‌کنند از مسیر عدالت و حقیقت صرف نظر کرده‌اند، باید مورد حمله و نابودی قرار گیرند (Keohane & Katzenstein, 2007: 25-26). یک نسخه از آمریکاستیزی رادیکال غرب‌شناسی است؛ افراطی‌ترین نسخه‌های غرب‌شناسی تمدن غربی را شامل ارزش‌هایی می‌داند که وحشیانه هستند و باعث نابودی زندگی انسان‌ها در آن جوامع می‌شود. در این نسخه‌های غرب‌شناسی ایالات متحده دولت اصلی غرب و بنابراین منبع اصلی شر است. این شر ممکن است به اشکال مختلف درک شود. از برابری زنان تا نمایش عمومی

بدن انسان (Katzenstin & Keohance, 2007: 30-33). آمریکاستیزان رادیکال الهام گرفته از مذهب یا سکولار خواهان تضعیف، تخریب و تحول در نهادهای سیاسی و اقتصادی آمریکا هستند. کوهن و کاتزنشتاین معتقدند که بیشتر مقاومت‌ها در برابر سیاست خارجی آمریکا در نقاط جهان فقط همین مقاومت در برابر سیاست و نه در قبال آمریکا است. بر همین اساس ضدآمریکایی فعالیت‌های آشکاری ایجاد می‌کند: تظاهرات، راهپیمایی، تبلیغات، حتی شکستن نمادین پنجره‌های رستوران مک دونالد در فرانسه. اما این یک نیروی سیاسی نیست که به طور مکرر دولت‌ها را سرنگون می‌کند، شرکت‌های چندملیتی آمریکایی را به سمت مبدل کردن ریشه‌های خود سوق می‌دهد، یا دولت ایالات متحده را وادار به ایجاد تغییرات اساسی در سیاست می‌کند (Keohane & Katzenstein, 2007: 28-29). در گونه ضدآمریکاکرایی رادیکال نابودی یا اعمال تحول در نهادها و سازمان‌های آمریکایی مورد تاکید قرار دارد.

کوهن و کاتزنشتاین اعتقاد دارند که ترکیبی از چهار گونه مزبور بیش از هر نوع تفسیر سستی از ضدآمریکاکرایی می‌تواند راهگشا و روشنگر باشد (Katzenstin & Keohance, 2007: 15). از زمان شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران، آمریکاستیزی یکی از گفتمان‌های حاکم بر دولت و جامعه ایران بوده و در تکوین سیاست خارجی نقش اساسی داشته است. نشانه‌های گرایش به تقابل با آمریکا از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی پدیدار شد و تا امروز که بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی گذشته همچنان استمرار دارد (قنبرلو، ۱۳۹۶: ۵۹). با توجه به تاریخ روابط فیما بین به نظر می‌رسد جامعه ایران در بردارنده نوعی آمریکاستیزی ارثی (شکلی از آمریکاستیزی که در اشتباه‌های گذشته که آمریکا مرتکب شده است، ریشه دارد) می‌باشد (کوهن و کاتزنشتاین، ۱۳۹۵: ۲۳۷). باید توجه داشت که آمریکاستیزی تدریجا به بخشی از هویت جمهوری اسلامی تبدیل شده، به نحوی که بدون آن ممکن است مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی با تهدید مواجه گردد. رهبران جمهوری اسلامی بر این عقیده‌اند که پس از پایان جنگ سرد که آمریکا به یک قدرت نظامی بی‌رقیب تبدیل شد و گستره مداخلاتش در امور کشورهای دیگر افزایش یافت، شدت آمریکاهراسی نیز افزایش یافت. بر همین اساس، به تبع توسعه هژمونی آمریکایی در جهان، مخالفت‌ها با فرهنگ و سیاست آمریکایی نیز افزایش یافته که نمود بارز و پررنگ آن را می‌توان در ایران یافت. شالوده آمریکاستیزی نظریه انقلاب اسلامی بیش از هر چیز به پدیده شیعه‌گری بازمی‌گردد. در واقع، مبانی فکری شیعه که بر پایه ظلم‌ستیزی، فرهنگ عاشورایی و

امید به مهدویت شکل گرفته، پیام انقلاب را با عدالت‌طلبی و آرمان‌گرایی خاصی همراه کرده است که کمترین پیام آن را می‌توان در سیاست اعتراضی نسبت به شرایط موجود نظام بین‌الملل و تلاش برای یافتن وضع مطلوب مشخص کرد. می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که رویکرد ایران نسبت به بازیگران قدرت‌طلب در عرصه بین‌الملل بعد از انقلاب اسلامی، با نوعی استکبارستیزی و در راس آن آمریکاستیزی همراه است. بنابراین با توجه به این توضیحات می‌توان وجوه ملموس‌تر رویکرد ضدآمریکایی را در بیانات مقامات جمهوری اسلامی ایران و به ویژه مقام رهبری مشاهده نمود که در سال‌های اخیر نمود بیشتری یافته است.

### مفهوم آمریکاستیزی

در یک تعریف وسیع ضدآمریکاگرایی به طور کلی به عنوان تمایلی روانشناسانه مبنی بر اتخاذ نگرشی منفی نسبت به ایالات متحده و جامعه آمریکایی تعریف می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد صرف انتقاد از سیاست‌های آمریکا به معنای آمریکاستیزی نیست، بلکه باید عناصری از خشم و رنجیدگی در کنار هم وجود داشته باشد. روبینشتاین و اسمیت آمریکاستیزی را هر نوع کنش یا بیان خصمانه نسبت به سیاست خارجی، جامعه، فرهنگ و ارزش‌های آمریکا می‌دانند (Rubinstein & Smith, 1988: 35). آمریکاستیزی مفهومی است که ابعاد نظری خاصی را شامل می‌شود و در فضای آکادمیک از سوی اندیشمندان به آن پرداخته شده است. این مفهوم به لحاظ نظری در مقایسه با دیگر مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نوپا به شمار می‌رود و هنوز جایگاه مورد اعتنایی را در فضای دانشگاهی ایران پیدا نکرده است. معمولاً از هر گونه اقدام یا دیدگاه انتقادی، مخالفت و دشمنی نسبت به دولت، فرهنگ و مردم ایالات متحده، زیرعنوان آمریکاستیزی یاد می‌گردد.

از لحاظ تاریخی، کاربرد این واژه، ناشی از گسترش احساسات ضدآمریکایی بوده است که از اواخر قرن ۱۸ میلادی رواج یافت، اما در دوره معاصر، این اصطلاح به ویژه از سال ۱۳۲۷ و در سطحی گسترده از دهه ۱۳۳۰ در ادبیات بین‌الملل رواج یافت (Roger, 2005: 9). آمریکاستیزی یک ایدئولوژی با نظام عقیدتی فراگیر و منسجم نیست، بلکه مجموعه‌ای از انتقادات و پیش‌داوری‌ها در ارتباط با آمریکا است که ناخواسته آمریکاستیزی نامیده شده است (Oconnor, 2007: 77). این واژه در معنای معاصر، مفهومی متعارض است، به این معنا که در برخی موارد، بیش از

آن که بر عینیت‌های منطقی، استوار باشد، بر مجموعه‌ای از پیش ذهنیت‌ها استوار بوده و به همین لحاظ، اغلب به عنوان سمت‌گیری مشخص، بلکه به مثابه عنصر مبهم هویت‌ساز و یا ابزار سیاسی کاربرد داشته است (نوری، ۱۳۸۷: ۸۵۷). آن‌ها که دریافت گسترده‌تری از این پدیده دارند معتقدند آمریکاستیزی، اغلب با خصومت نسبت به آمریکا یا ارزش‌های تمدن غربی برابر است (فتح، ۱۳۸۸: ۲۷). از جنبه نظری، مقوله آمریکاستیزی به مجموعه باورها، اعتقادات و اقدام‌های مقابله‌کننده‌ای اشاره دارد که یا هویت آمریکایی را نشانه گرفته و یا دست کم متعرض و مخالف رفتارها و اقدام‌های آن در صحنه بین‌المللی است (کیوان‌حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۱). به نظر می‌رسد دستیابی به تعریفی مشترک از این موضوع، دشوار باشد، از همین روست که غالباً تفاوت «آمریکاستیزی با انتقادات معقول و مستدل از این کشور، مبهم می‌ماند یا برخی اوقات هم آگاهانه در لفافه پیچیده می‌شود» (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۹).

### پیشینه بحث آمریکاستیزی در ایران

آمریکاستیزی، پدیده‌ای سیاسی است که قبل از انقلاب و چند ماه بعد از انقلاب در جامعه ما شکل گرفته و تا امروز هم ادامه پیدا کرده و ظرف ۴۰ سال گذشته بیشترین نقش را بر جامعه ایران داشته است. بر همین اساس، فهم بسیاری از تحولات مهم ایران بعد از انقلاب تحت تاثیر و در گرو پدیده آمریکاستیزی قرار گرفته است (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۸-۹). با بررسی تاریخ معاصر ایران آشکار می‌شود که ایرانیان رابطه و تجربه خوبی از قدرت‌های خارجی نداشته‌اند. تا پیش از ورود فعالانه آمریکا به سیاست ایران در دهه ۱۹۵۰ وجهه این کشور در میان ایرانیان مثبت‌تر از سایر قدرت‌های ذی‌نفوذ در منطقه بود. سابقه دخالت‌های استعماری مکرر روسیه و بریتانیا در ایران به علاوه دور بودن آمریکا از مسائل ایران سبب شده بود ایرانیان نگاهی توأم با حسن‌ظن به این قدرت نسبتاً نوظهور داشته باشند. در پی جنگ جهانی دوم نفوذ آمریکا در ایران به شدت افزایش پیدا کرد. جنگ، ایالات متحده را به یک ابرقدرت تبدیل کرد. از پایان جنگ جهانی دوم تا میانه‌های ۱۹۶۰ دوره استقلال کشورهای مستعمره و حذف قدرت‌های استعماری بود. با شروع جنگ سرد، ایران دوباره خود را بین دو ابرقدرت شوروی و ایالات متحده دید، ایران تلاش داشت تا تعادلی بین این دو ابرقدرت برقرار کند، اما به دلیل سابقه مداخلات روسیه به سمت ایالات متحده کشیده شد (Joseph, 2011: 83). حتی دکتر مصدق در مقام سیاستمدار ملی‌گرا و

استعمارستیز که با اراده ملی به مقام نخست‌وزیری رسید، در دوره اوج‌گیری مشکلات اقتصادی خوش‌بینانه از آمریکا تقاضای کمک مالی کرد. وی تصور می‌کرد با توجه به سیاست‌های جدید آمریکا از جمله اصل چهار دکترین ترومن امکان جلب حمایت این قدرت وجود دارد. نهایتاً دولت مصدق نه تنها در جلب حمایت واشنگتن ناکام ماند؛ به کودتایی منتهی شد که بازگشت و تحکیم استبداد پهلوی همراه با نفوذ سیاسی فزاینده آمریکا را به همراه داشت. یکی از نویسندگان آمریکایی در این باره می‌گوید: «بعد از نقش‌آفرینی آمریکا در برانداختن دولت مصدق، این کشور خود را در معرض انتقادات همه جناح‌های سیاسی در ایران دید و به طور روز افزونی تصویر منفی از آمریکا در ذهن ایرانیان شکل گرفت» (James, 1988: 5).

ظهور ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت در دوران پس از جنگ جهانی دوم و دسترسی گسترده به قدرت نرم و سخت، واکنش‌های متفاوتی را در سراسر ایران ایجاد کرد. به فرمان شاه از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹، ایران متحد قدرتمند ایالات متحده در منطقه بود. با این وجود، انقلاب ۱۹۷۹ نه تنها متحد مهمی را از ایالات متحده دور کرد، بلکه همچنین یک فضای سیاسی عمیقاً خصمانه با ایالات متحده ایجاد کرد. جمهوری اسلامی ایران با منافع و اهداف ایدئولوژیک و اسلامی همچون ارزش‌های دینی و انقلابی، دفاع از مسلمانان، نفی استعمار، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان ایجاد گردید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۸۹-۹۱). از آن زمان ضد آمریکایی بودن یک اصل اساسی سیاست‌های جمهوری اسلامی به ویژه در بیانات رهبران انقلابی، به ویژه آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بوده است.

در انقلاب اسلامی نیز از آغازین روزها، یکی از شعارهای اصلی، مرگ بر آمریکا بوده است. بنا بر گزارش‌های سفارت آمریکا در ایران، از تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۸ [۱۴ مهر ۱۳۵۷] در راهپیمایی‌های مردمی در ایران «به طور متوسط روزی یک حادثه خشونت‌بار بر ضد منافع آمریکا صورت گرفته است». در این گزارش که با عنوان «اقدامات خشونت‌بار ضد آمریکایی در ایران» مخابره شده، آمده است: «۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ (۲ آبان ۵۷) [در] دوشان‌تپه تظاهرکنندگان فریاد می‌زنند مرگ بر آمریکا». براساس همین گزارش در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آبان ۱۳۵۷) «بر دیوار خانه مسکونی سروان نیروی هوایی آمریکا شعار «مرگ بر آمریکا» نوشته شده بود (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۹۰: ۴۰۰-۴۰۳). شعار «مرگ بر آمریکا» از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ همراه با عبارات دیگری که اغلب ضد آمریکایی است، در ایران مورد استفاده قرار گرفته است

(Herbst, 2003: 6). گفته شده است که در زمان آیت‌الله خمینی، ضد آمریکایی بودن راهی برای تفکیک هواداران داخلی و ضدانقلابیون بوده است و حتی به نظر می‌رسد که جمله «شیطان بزرگ» که قبلاً در مورد انگلستان به کار رفت است، با ضد آمریکایی بودن در ارتباط است (Johnson, 2009: 22).

تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ را می‌توان در همین راستا، به عنوان یکی از نشانه‌های آمریکاستیزی عنوان نمود که عده‌ای علت آن را سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در ایران از سال ۱۳۳۲ تا آن روز و همچنین سوء ظن و بی‌اعتمادی رهبران مذهبی انقلاب نسبت به سیاست نگاه به غرب دولت موقت می‌دانند. این تسخیر اساساً نتیجه سوء ظن جامعه ایران به دخالت آمریکا در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است. در سال‌های اولیه پس از انقلاب، تمایلات آمریکاستیزانه ایران بیشتر حول مسایلی فعال بود که در روابط فیما بین شکل گرفته بودند. دولت ایران خواسته‌هایی داشت که طرف آمریکایی حاضر به پذیرش آن‌ها نبود. اما تدریجاً و به دنبال تحکیم پایه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی، خط مشی آمریکاستیزانه آن از شکل تدافعی فراتر رفت و حالت تهاجمی به خود گرفت. در نتیجه، ایران اساساً نحوه نقش‌آفرینی واشنگتن در جهان را به چالش کشید (قبرلو، ۱۳۹۶: ۶۱). در جریان دفاع مقدس نیز، عده‌ای یکی از دلایل حمله عراق به ایران را تحریک و تشویق این کشور از سوی آمریکا می‌دانند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۳۱۴-۳۳۴). بعد از جنگ، رویارویی ایران و ایالات متحده به اوج خود رسید و به درگیری نظامی در خلیج فارس انجامید. با انتخاب هاشمی رفسنجانی در تیرماه ۱۳۶۸ امید به تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا افزایش یافت. در این چارچوب عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی رئیس جمهوری در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ در مقاله‌ای از لزوم مذاکره مستقیم با آمریکا سخن به میان آورد که با وجود استقبال آمریکا از این پیشنهاد، رهبر انقلاب اسلامی به شدت با این مذاکره مخالفت ورزید. در دوران ریاست جمهوری خاتمی نیز با وجود سیاست‌های آشتی‌جویانه و موافقت آمریکایی با طرح گفتگوی تمدن‌های خاتمی، روابط دو کشور بهبود پیدا نکرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۴۱۷-۴۲۳).

با انتخاب محمود احمدی‌نژاد و سیاست مقابله با آمریکا توسط وی و جدی‌تر شدن مسئله هسته‌ای، روابط دو کشور تیره‌تر شد و در این سال‌ها شاهد تحریم‌های اقتصادی از سوی ایالات متحده علیه ایران به بهانه‌هایی همچون مسئله هسته‌ای، حمایت از تروریسم بوده‌ایم. با انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری از سال ۱۳۹۲ نیز با وجود سیاست اعتدال در سیاست خارجی

و مذاکره بر سر مسئله هسته‌ای و به توافق رسیدن در این زمینه، اختلافات بنیادین بین دو کشور باقی مانده است و با حوادثی که در دی ماه ۱۳۹۸ و شهادت قاسم سلیمانی فرمانده برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اتفاق افتاد شاهد پر رنگ‌تر شدن بحث آمریکاستیزی در گفتمان جمهوری اسلامی ایران و در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشیم. ضدآمریکایی بودن در آئین‌های عمومی جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر ساله در سالگرد تصرف سفارت آمریکا، هزاران نفر به خاطر آنچه «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» می‌نامند، در سراسر کشور تظاهرات می‌کنند (Asadzade, 2019: 1). مرگ بر آمریکا شعار غالب همه این راهپیمایی‌ها است. با توجه به سخنان مکرر رهبر انقلاب در باب ماهیت معنوی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را نباید صرفاً به عنوان سلطه‌طلبی و فتح کشورها از طریق به کارگیری قوه قهریه تلقی کرد. رهبر انقلاب همواره بر ضرورت حفظ اسلام و ابراز کینه نسبت به نظام سرمایه‌داری غرب و در راس آن آمریکا تاکید داشتند. بر همین اساس هم، شالوده سیاست نه شرقی و نه غربی بر مبارزه بی‌امان با سیاست‌های خارجی ایالات متحده و صهیونیسم جهانی ریخته شد (ازغندی، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۸). همه این حوادث موجب شده است تا بحث آمریکاستیزی در گفتمان جمهوری اسلامی ایران و به ویژه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای پیدا نماید و سیاست‌های ایران در برابر ایالات متحده بر همین اساس پی‌ریزی شود.

### آمریکاستیزی در اندیشه مقام معظم رهبری

از آنجا که مسلمانان نگران تأثیر فرهنگی ایالات متحده و پیامدهای آن بر ارزش‌های اخلاقی جوامع خود هستند، بیشتر با فرهنگ آمریکا مخالف هستند. در حقیقت، اسلام‌گرایان نه تنها فرهنگ آمریکایی را تحقیر می‌کنند، بلکه دارای نگرش منفی شدیدی نسبت به دولت ایالات متحده و سیاست‌های آن هستند (Lynch, 2007: 196-224). چنان که گفته شد به مانند بسیاری از کشورهای جهان اسلام، ابراز عقاید منفی نسبت به ایالات متحده، در ایران نیز یک پدیده غالب پس از انقلاب اسلامی بوده است. اشکال ضدآمریکایی در بیانات رهبران ایران در مورد ایالات متحده قابل شناسایی است. رهبران ایران بارها از توصیف «شیطان بزرگ» برای توصیف این کشور استفاده کرده‌اند. از این گذشته، رهبران مذهبی و سیاسی نگرانی‌های زیادی راجع به آنچه آن‌ها تهاجم فرهنگی غربی می‌نامند و هویت اسلامی ایرانی را تضعیف می‌کند، ابراز داشته‌اند. به عنوان

مثال، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب مدام هشدار داده‌اند که از حضور «ناتو فرهنگی» که بسیار خطرناک است و قصد دارد هویت اسلامی ایرانی را نابود کند، باید ممانعت به عمل آید (Asadzade, 2019: 2). براین اساس، می‌توان بیانات آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب را براساس نظریات کوهن و کاتزنشتاین در خصوص آمریکاستیزی رادیکال یا شیعی تبیین نمود. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است مذاکره یعنی آن پیوندی را که جمهوری اسلامی قطع کرد موجب شد که عواطف صادقانه همه ملت‌های مظلوم دنیا به این نظام جلب شود. عدم درک این مسئله موجب شد تا از همان ابتدا یک ایدئولوژی ضدآمریکایی پدید آید. از همان زمان، رهبران ایران به گونه‌ای حق به جانب، بقای جمهوری اسلامی را با استقلال ایران پیوند زده‌اند و آمریکا را ضد هر دو می‌خوانند (میلانی، ۱۳۸۵: ۴۸-۶۰).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اسلام در کانون هویت ایران قرار دارد و غرب پیوسته ما را تحت تهاجم قرار داده است. ایشان هدف اصلی انقلاب اسلامی را تبدیل کردن ایران به «جامعه‌ای با هویت» و «دارای حرف نو» معرفی می‌نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴). در تبیین مقابله جمهوری اسلامی با ایالات متحده نیز، اگرچه از نظر ایشان رویدادهایی همچون کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، غارت کردن منابع کشور در زمان شاه و پشتیبانی از او، تحریک صدام حسین به حمله نظامی به ایران، سرنگون ساختن هواپیمای مسافربری ایران و... اهمیت زیادی دارند، اما سطح منازعه را تمدنی و هویتی می‌بیند. نظام سلطه، یعنی این که کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۰۶). امروز مظهر نظام سلطه، آمریکا است. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم آمریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافع فرض کرد، حق دارد در آن نقطه، حضور قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند، بگوید. این قانون جنگل و نظامی غیرانسانی برخلاف فطرت انسان است. یک بار در انقلاب ما، یک بار در طول هشت سال جنگ تحمیلی و بارها در حوادث گوناگون ... به وضوح معلوم شد که این ادعا پوچ است. ابرقدرت‌ها، با تشر و هیبت و ابهت ابرقدرتی، کارشان را پیش می‌برند و الا از لحاظ قدرت محسوس و ملموس، اگر ملتی بخواهد و اراده کند، می‌تواند آن‌ها را ناکام نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷). آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند هر حرکتی که نسل جوان را از صحنه مقاومت کنار بزند، مربوط به نظام استکباریست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵). آیت‌الله خامنه‌ای در بیان ابعاد و ماهیت نظام سلطه بر این اعتقادند که

معنای نظام سلطه یعنی اینکه کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها یا باید سلطه‌گر باشند، یا سلطه‌پذیر (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای نماد بارز سلطه‌گری و استکبار را آمریکا می‌داند و در موارد متعددی که صحبت از مبارزه با سلطه و استکبار شده از دولت آمریکا به عنوان دولتی شیطان صفت، زورگو و مستکبر نام برده است. ایشان در صحبتی در این باره می‌فرمایند: «مبارزه با استکبار، یعنی این که هر جایی در سطح جهان، اگر آمریکایی‌ها علی‌ملتی، علیه اصلی از اصول اسلامی و علیه حقیقتی که ما به آن پایبند هستیم، حيله و ترفندی به کار ببندند، ما آن حيله را برملا و خشتی خواهیم کرد و تا به حال هم کرده‌ایم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹). در جهان، سیاست مورد قبول قدرت‌های بزرگ، سیاست نظام سلطه است؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌کش (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۱۸). امروز آمریکا به رغم قدرت روزافزون نظامی و مالی خود، در حضيض شکست سیاسی است و در دنیا منزوی است. هیچ وقت نفرت از آمریکا مثل امروز در دنیا نبوده است. شرق و غرب هم ندارد، آسیا و اروپا و آفریقا هم ندارد؛ همه جا این‌طور است. این را خود آمریکایی‌ها اعتراف می‌کنند و این حرف من نیست. آن‌ها خودشان اعتراف می‌کنند که نمی‌شود با زور بر دنیا سلطه پیدا کرد. برژینسکی کتابی دارد به نام «رهبری جهانی یا سلطه بر جهان»؛ او در این کتاب نوشته است که سلطه با زور و با اقتدار بر جهان برای آمریکا، مساوی است با انزوای روزافزون آمریکا در دنیا. راست هم می‌گوید؛ روز به روز منزوی‌تر خواهد شد و همین انزوا آن سلطه را هم نابود می‌کند (بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از فرهنگ قرآنی به «مفهوم‌شناسی استکبار» پرداخته و دولت آمریکا را «رأس استکبار» معرفی می‌کنند: «استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹). مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه‌ی علمی، و یک حرکت خردمندانه است، برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، بعکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از

دین و آیه‌ی قرآن و آنچه الهام دینی است فعلاً صرف نظر میکنیم؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» را فعلاً کنار می‌گذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه ملت ایران تکیه می‌کنیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲).

آیت‌الله خامنه‌ای همواره در بیانات خود، سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران در طول تاریخ را ذکر کرده است و از آنان به سیاست‌های استکباری یاد کرده‌اند که نشان از ورود ایشان در عرصه مبارزه با استکبار با هدف روشنگری دینی در مقیاس جهانی است. در دیدگاه رهبر انقلاب، برخلاف تصور عده‌ای که استکبارستیزی را سبب انزوای ایران در نظام بین‌الملل می‌دانند، معتقدند کنار گذاشتن این آرمان نه تنها سبب عزت ایران اسلامی نمی‌شود که قدرت و نفوذ منطقه‌ای این نظام را نیز محدود می‌کند؛ زیرا استکبارستیزی پشتوانه اساسی نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و به مثابه عاملی برای تضمین آن محسوب می‌شود. بنابراین پدیده‌هایی همچون برجام نمی‌تواند و نباید سبب تغییر هویت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور انقلابی استکبارستیز و الهام‌بخش شود و این دقیقاً نقطه مقابل هدفگذاری دشمن است که می‌کوشد نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران از مواضع خود کوتاه آمده و حاضر به تغییر رفتار شده است (قربانی و پروانه، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان سال ۱۳۹۵، درحالی‌که حدود ۱۰ ماه از اجرایی شدن برجام می‌گذشت، ضمن بیان تحلیلی دقیق از منطق و عقلانیت مستتر در استکبارستیزی و آمریکاستیزی ملت انقلابی ایران و تلاش دو گروه وابستگان و از نفس افتاده‌ها در داخل برای القای بی‌منطق بودن این مشی نظام، فرمودند: «فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به‌نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزریق می‌شود و کسانی هم در داخل آن را ترویج می‌کنند و از اوکی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با ایالات متحده سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد. این از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [می‌گویند] اگر ما با ایالات متحده سازش کردیم، مشکلات کشور حل می‌شود. خوب، حالا ده تا دلیل می‌شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با ایالات متحده مشکلات کشور را به‌هیچ‌وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۸/۱۳). ایشان از آل احمد به نیکی یاد می‌کند و «غرب‌زده‌ها» را سرزنش می‌نماید که می‌گفتند پیشرفت ایران منوط به آن است که «بروید در ذیل غرب تعریف بشوید» (آیت-

الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶). اینکه ما در مقابل فشار تبلیغاتی دشمنان، کم نمی‌آوریم به توفیق الهی، به خاطر این است؛ چون یک وظیفه است؛ اگر چنانچه نکرديم، کان حقاً علی الله ان یدخلنا مدخله. اگر ما کوتاه بیاییم، خدای متعال ما را هم به همان سرنوشتی و همان دوزخی که آن ستمگر را مبتلا خواهد کرد مبتلا می‌کند؛ وظیفه ما این است، این جمهوری اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱).

با توجه مطالبی که عنوان گردید کلیدواژه آمریکا و ضدیت با آمریکاگرایی یک از واژگان پرسامد در سخنرانی‌ها و آثار آیت‌الله خامنه‌ای است. در این رویکرد ما گونه‌های متفاوتی از آمریکاستیزی را در بیانات ایشان می‌توانیم شناسایی کنیم. برخی از بیانات ایشان نمایانگر مبارزه در قالب آنچه آمریکاستیزی لیبرال، سوسیال یا ملی‌گرا خوانده می‌شود، است. برای مثال بیشتر انتقادات ایشان از استاندارهای دوگانه آمریکا در قبال حقوق بشر در منطقه خاورمیانه در قالب آمریکاستیزی لیبرال قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> انتقادات ایشان نسبت به شرکت‌های چندملیتی و نفوذ صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا در قالب آمریکاستیزی سوسیال قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد چارچوب‌بندی اصلی حول آمریکاستیزی رادیکال است. ایشان اساساً آمریکاستیزی را بخشی از مفهوم کلان‌تر استکبارستیزی در نظر می‌گیرد. اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱).

به نظر ایشان مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمین و مومنین و نظام و انقلاب اسلامی اقتضاء می‌کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود. یکی از پایه‌های آمریکاستیزی لیبرال تاکید بر تقابل فرهنگی با تمدن حاکم بر ایالات متحده است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «قیام مردم قم صف‌بندی دو دستگاه محاسباتی، صف‌بندی دو نظام معرفتی، صف‌بندی دو الگوی تحلیلی در مقابل یکدیگر را نشان داد». نظام معرفتی لیبرال دموکراسی دروغین پای در گل غربی، یکی نظام معرفتی توحیدی اسلامی (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۷). مشکل ما با آمریکا حل‌شدنی نیست، آمریکا مخالف وجود یک حکومت با صبغه دینی اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۴/۳۰). بنابراین می‌توان جنبه‌های نابودی یا

<sup>۱</sup> برای مثال رجوع شود به بیانات در دیدار فضاء و طلاب و اقشار مختلف مردم قم در ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

اعمال تحول در نهادها و سازمان‌های آمریکایی را در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده نمود که یکی از گفتمان‌های حاکم بر دولت و جامعه ایران بوده و در تکوین سیاست خارجی نقش اساسی داشته است. ضمن این که این شالوده مقابله آمریکا به پدیده شیعه‌گری بازمی‌گردد که مبانی اعتقادی جمهوری اسلامی ایران و آیت‌الله خامنه‌ای را شکل می‌دهد. در واقع، مبانی فکری شیعه که برپایه ظلم‌ستیزی، فرهنگ عاشورایی و امید به مهدویت شکل گرفته، پیام انقلاب را با عدالت‌طلبی و آرمان‌گرایی خاصی همراه کرده است که کمترین پیام آن را می‌توان در سیاست اعتراضی نسبت به شرایط موجود نظام بین‌الملل و تلاش برای یافتن وضع مطلوب مشخص کرد. این مسئله را می‌توان در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و به ویژه در برابر آمریکاستیزی مشاهده نمود که وجوه ملموس رویکرد ضدآمریکایی مقامات جمهوری اسلامی ایران و به ویژه مقام رهبری را شکل می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد در بستری علمی و نظری، به بررسی آمریکاستیزی و گونه‌شناسی آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود. ایالات متحده علیه بسیاری از کشورها دست به رفتارهای مداخله جویانه‌ای زده که به مراتب زیان‌بارتر از اقداماتی بوده که علیه ایران انجام داده است، اما هیچ کشوری به مانند ایران به تقابل با آمریکا نپرداخته و از شدت رویکرد تقابلی تهران در برابر واشینگتن کاسته نشده است. یافته‌ها حاکی از آن است که ضدآمریکایی پدیده‌ای چندوجهی است و افراد با گرایش‌های سیاسی و مذهبی مختلف، ایالات متحده را از طرق مختلف درک می‌کنند. گرچه ایران یک کشور مسلمان است، اما فرهنگ، تاریخ و نهادهای سیاسی آن کاملاً متفاوت با سایر کشورهای مسلمان است. اگرچه فضای سیاسی دوقطبی کشور پس از تسخیر سفارت آمریکا در کنار اقدامات خصمانه آمریکا و هم‌پیمانان‌اش علیه ایران بر حاکم شدن هر چه بیش‌تر نگرش منفی و بدبینانه بر غرب‌نگاری دو رهبر عالی رتبه ایران مؤثر بوده است، اما نمی‌توان بر تقابل هستی‌شناسانه اندیشه آنان با غرب و ایالات متحده چشم فرو بست. در حالی که ادبیات موجود، احساسات ضدآمریکایی در خاورمیانه را با دینداری مرتبط می‌کند، یافته‌های ایران حاکی از آن است که حمایت از اسلام سیاسی یک رابطه قوی‌تر از ضدآمریکایی بودن از خود دینداری مسلمان دارد. این ارتباط بین حمایت از اسلام سیاسی و احساسات ضدآمریکایی با استدلال کوهن و کاتزنشتاین که اسلامگرایی را به یک دیدگاه منفی کلی از ایالات متحده یا آنچه که آن‌ها

ضدآمریکایی رادیکال می‌خوانند، پیوند دارد. شالوده‌آمریکاستیزی بیش از هر چیز به پدیده شیعه-گری بازمی‌گردد. مبانی فکری شیعه که برپایه ظلم‌ستیزی، فرهنگ عاشورایی و امید به مهدویت شکل گرفته، پیام انقلاب را با عدالت‌طلبی و آرمان‌گرایی خاصی همراه کرده است که کمترین پیام آن را می‌توان در سیاست اعتراضی نسبت به شرایط موجود نظام بین‌الملل و تلاش برای یافتن وضع مطلوب مشخص کرد که وجوه ملموس‌تر رویکرد ضدآمریکایی را در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان مشاهده نمود. از زمان انقلاب اسلامی، ایران به شدت ضدآمریکایی‌گرایی را پذیرفته و آمریکاستیزی تدریجاً به بخشی از هویت جمهوری اسلامی تبدیل شده است. نمود این مسئله را در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده نمودیم که همواره در بیانات خود بر جنبه استکبارستیزانه آمریکا تأکید داشته‌اند و اظهار داشته‌اند که آمریکا تنها با دولت جمهوری اسلامی مشکل ندارد، بلکه با ملت و روحیه ضدآمریکایی مردم مشکل دارد. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته از تاریخچه روابط دو کشور و براساس آیات قرآن و مبانی اسلامی است که مبارزه با استکبارستیزی و به ویژه آمریکا را در راس سیاست خارجی خود قرار داده است.

## منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها)، نشر قومس، چاپ سوم، تهران.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا (۱۳۹۰). (دوره یازده جلدی) کتاب نهم، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ نهم، تهران.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸). بیانات در دیدار روحانیون، مسئولان و گروهی از اقشار مختلف مردم، ۲۲ اسفند ۱۳۶۸، قابل دسترسی در <http://nahadrey.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=36&pageid=73029&p=1&showitem=164>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹). بیانات در دیدار مهمانان خارجی در مراسم دهه فجر، ۱۷ بهمن ۱۳۶۹، قابل دسترسی در <https://www.leader.ir/fa/speech/445/www.leader.ir>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵، قابل دسترسی در [http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508)
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰ آبان ۱۳۷۴، قبل دسترسی در <http://nahadrey.ir/index.jsp?pageid=73029&p=1&showitem=586>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۹ آبان ۱۳۷۵، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2817>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸). بیانات در دیدار «رابرت موگابه» رئیس‌جمهور زیمبابوه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۸، قابل دسترسی در <https://www.leader.ir/fa/content/1750/leader.ir>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). بیانات در پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۱۳۸۳، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3233>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). «بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور»، ۲۹ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24547>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۰۸/۱۳۹۴، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>

- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). دیدار مقام معظم رهبری با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲ آبان ۱۳۹۵، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34815>.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی، ۲۶ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37949>.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت امور خارجه، ۳۰ تیر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40156>.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). بیانات در جمع مردم مشهد و زائران امام رضا علیه‌السلام، ۱ فروردین ۱۳۹۸، قابل دسترسی در <https://www.mizanonline.com/fa/news/504723>.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع)، ۲۱/۰۷/۱۳۹۸، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43767>.
- ترابی، قاسم؛ رضایی، علیرضا (۱۳۹۰). فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی، مطالعات راهبردی، ۱۴(۴)، ۱۳۵-۱۶۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
- عبداللهی‌نژاد، سیدشمس‌الدین؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۸). واکاوی اندیشه مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر ایالات متحده آمریکا، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳(۶)، ۳-۲۲.
- فتح، زیگرید (۱۳۸۸). آمریکاستیزی در جهان اسلام، ترجمه حسن سعیدکلاهی و احمد تقی‌زاده، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران.
- قربانی، مصطفی؛ پروانه، محمود (۱۳۹۵). «گگتمان ماندگاری انقلاب در آرای مقام معظم رهبری»، دوفصلنامه اندیشنامه ولایت، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، صفحات ۹۹-۱۱۲.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷). اسرائیل و استمرار تنش‌ها میان ایران و آمریکا، مطالعات راهبردی، ۱۱(۱)، ۱۶۳-۱۳۵.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۶). ریشه‌های بازتولید مخاصمه ایران و آمریکا پس از توافق هسته‌ای، جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲)، ۷۲-۴۹.

- کوهن، رابرت؛ کانزشتاین، پیتر (۱۳۹۵). ضدیت با آمریکاگرایی در سیاست جهان، مترجم حسن سعیدکلاهی، انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران.
- کیوان‌حسینی، سیداصغر؛ جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۰). آمریکاستیزی در جهان اسلام، شالوده نظری و روند تحول، راهبرد دفاعی، ۹(۳۲)، ۱۷۳-۲۰۲.
- گریفتس، مارتین (۱۳۹۴). هشت مقاله درباره آمریکاستیزی، ترجمه محمدشمس‌الدین عبداللهی، انتشارات علم، چاپ اول، تهران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، انتشارات گام نو، چاپ چهارم، تهران.
- نوریخس، محمدحسین (۱۳۹۸). آمریکا ستیزی در ایران انقلابی: زمینه‌ها و علت‌ها و تاثیر آن بر سیر تحولات انقلاب اسلامی ۱۳۶۰-۱۳۵۷، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- نوری، علیرضا (۱۳۸۷). تحولات مفهوم آمریکاستیزی در سیاست خارجی روسیه با تاکید بر سیاست خارجی پوتین، مطالعات راهبردی، ۱۱(۴)، ۸۵۳-۸۷۶.
- Asadzade, Peyman (2019). Faith or Ideology? Religiosity, Political Islam, and Anti-Americanism in Iran, *Journal of Global Security Studies*, 0(0), page 1–15. doi:10.1093/jogss/ogy038 Research Article.
- Benhabib, Seyla (2002). *Unholy Wars: Reclaiming Democratic Virtues after September 11*, in Craig Calhoun, Paul Price and Ashley Timmer (eds.), *Understanding September 11*. New York: New Press.
- Berger, Lars (2014). “Foreign Policies Or Culture: What Shapes Muslim Public Opinion on Political Violence Against the United States?” *Journal Peace Research*, 51 (6): page 782–96.
- Blaydes, Lisa and Drew A, Linzer (2012). “Elite Competition, Religiosity, and Anti-Americanism in the Islamic World,” *American Political Science Review*, 106 (2): 225–43.
- Calvert, John (2009). *Sayyid Qutb and the Origins of Radical Islamism*, New York: Columbia University Press.
- Chiozza, Giacomo (2007). *Love and Hate: Anti-Americanism in the Islamic World*, November, 7 November, page 1-59. DOI: 10.2307/3183656

- Datta, Monti Narayan (2014). *Anti-Americanism and the Rise of World Opinion: Consequences for the US National Interest*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Delavande, Adeline & Zafar, Basit (2018). Information and anti-American attitudes, *Journal of Economic Behavior & Organization*, Volume 149, May, Pages 1-31. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2018.03.002>
- Delavande, Adeline & Zafar, Basit (2018). Information and anti-American attitudes, *Journal of Economic Behavior & Organization*, Volume 149, May, Pages 1-31. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2018.03.002>
- Fabbrini, Sergio (2014). Anti-Americanism and US Foreign Policy: Which Correlation?, *Published in International Politics*, 47, n. 6, 17 Apr, page 557-573. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2425278>
- Guerlain, Pierre (2007). A Tale of Two Anti-Americanisms », *European journal of American studies*, journals.openedition.org document 4, Online since 15 November, connection on 19 April 2019. <https://doi.org/10.4000/ejas.1523>
- Herbst, Philip (2003). *Talking terrorism: a dictionary of the loaded language of political violence*, Greenwood Publishing Group. ISBN 978-0-313-32486-4.
- Hollander, Paul (2008). *The Only Super Power: Reflections on Strength, Weakness, and Anti-Americanism*, Lanham, MD: Lexington Books.
- Ivan, Krastev (2004). The anti-American century, *journal of democracy*, vol 15, no.2, page 5-25.
- Jamal, Amaney A & Keohane, Robert O. & Romney, David & Tingley, Dustin (2015). Anti-Americanism and Anti-Interventionism in Arabic Twitter Discourses, *Volume 13, Issue 1, March 2015* , pp. 55-73. <https://doi.org/10.1017/S1537592714003132>
- James, Bill (1988). *The Eagle and the Lion: The Tragedy of American-Iranian Relations*, New Haven: Yale University Press.
- Joffe, Josef (2009). The Default Power. *Foreign Affairs*, Vol. 88, No.5 (Sep-Oct 2009), Page 21-22.
- Johnson, Boris (2009). What has Ayatollah Khamenei of Iran got against little old Britain?, *The Daily Telegraph*, London.
- Joseph, st.marie & shahdad, naghshpour (2011). Revolutionary iran and the united states, low intensify conflict in the Persian gulf.
- Keohane, Rabert & Katzenstein, peter (2007). The political consequences of anti-americanism, *Anti-americanisms in world politics*. Cornell university press, Ithaca, page 273-305.
- Keohane, Robert O., and Peter J. Katzenstein (2007). *AntiAmericanisms in World Politics*, In *Varieties of antiAmericanism: A Framework for Analysis*, page 9–38. Ithaca, NY; London: Cornell University Press.
- Krueger, Alan (2009). Attitudes and action: public opinion and the occurrence of international terrorism, *Princeton University, Department of Economics, Center for Economic Policy*, page 1534-1536.

- Lynch, Marc (2007). "Anti-Americanism in the Arab World." In *Anti-Americanisms in World Politics*, edited by Peter Katzenstein and Robert Keohane, 196–224. Ithaca, NY; London: Cornell University Press
- Mirsepassi, Ali (2000). *Intellectual Discourse and the Politics of Modernization: Negotiating Modernity in Iran*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Nugent, Elizabeth, Tarek Masoud, and Amaney Jamal (2018). "Arab Responses to Western Hegemony: Experimental Evidence from Egypt." *Journal of Conflict Resolution*, 62 (2): 254–88.
- O'Connor, Brendon (2007). "Introduction: Causes and Sources of Anti-Americanism" In, O'Connor, Brendon, *Anti-Americanism; History, Causes and Themes*, Vol 1, Oxford, Green Wood World Publishing.
- Roger, Phillippe (2005). *The American Enemy: The History of French Anti-Americanism*, University of Chicago Press.
- Rubinstein, Alvin Z & Donald E, Smith (1988). "AntiAmericanism in the Third World." *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 497 (1): 35–45.
- Stanley, Willis (2006). *The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran*, at: [www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf](http://www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf).
- Stokes, Bruce (2014). Which countries don't like America and which do, 15 July, <http://pewrsr.ch/1jLS0Qo>